

دوره ششم تصنیفیه

مذاکرات مجلس

شماره

۹۷

جلسه

۱۳۲

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه يك شنبه ۱

امرداد ماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۴ محرم الحرام

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمت اشتراك

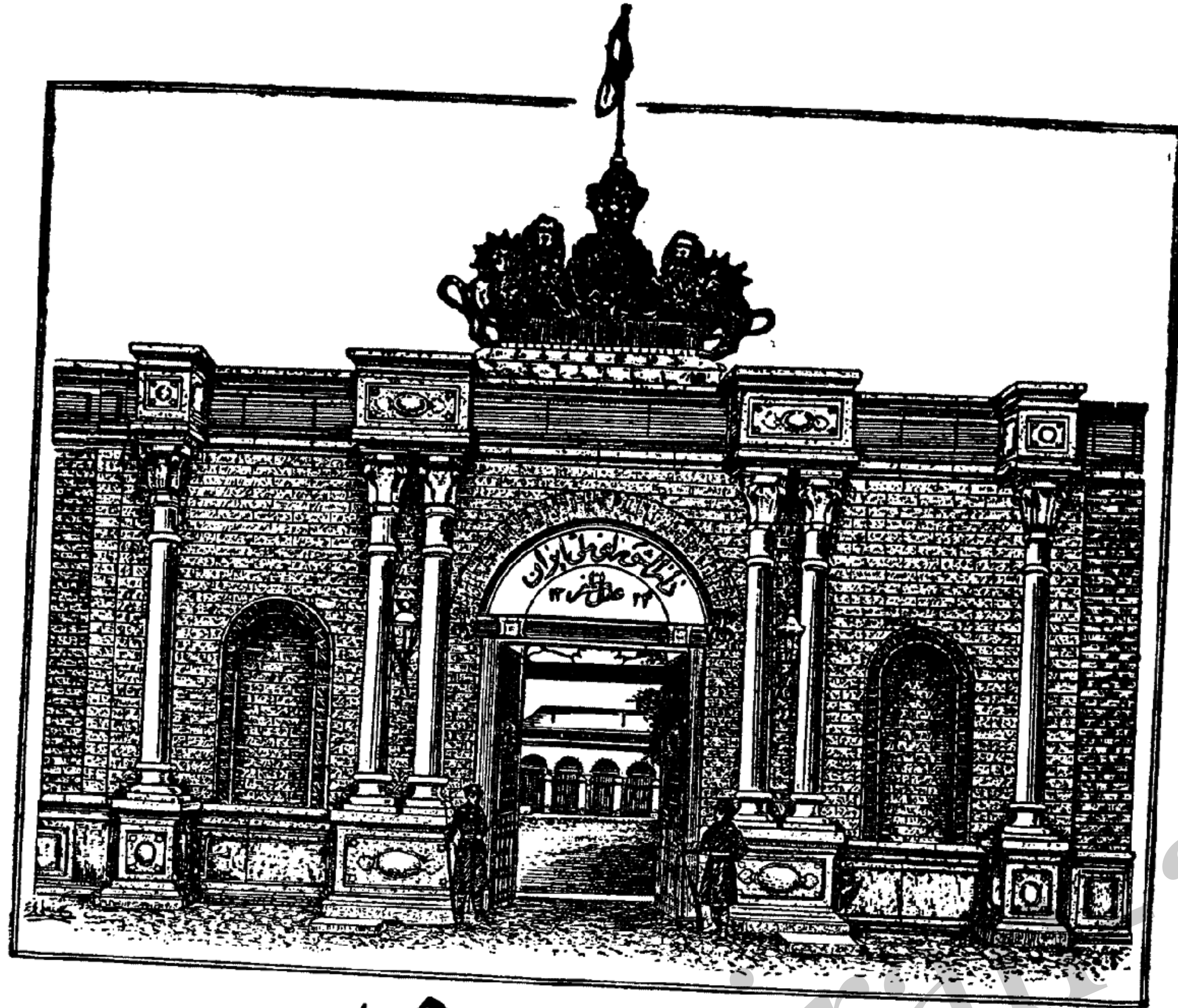
داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمت تک شماره

يك قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه اول مردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۴ محرم الحرام ۱۳۴۶

جلسه ۱۳۲

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست
آقای پیرنیا تشکیل)
(صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۹ تیرماه
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : حاج علی اکبر امین - حاج آقا رضا رفیع
- آقابنداری - دادگر - شریعت زاده - حمیدری مگری -
احتشام زاده - فرشی - عدل - والی زاده - سلطان

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت لایحه دولت بقضای دو فوریت راجع به واگذاری اختیارات ریاست کل مالیه در مدت ۵۱ روز به مستر مکاسکی خزانه دار و مذاکره در آن	۱۹۶۱	۱۹۸۰

محمد خان - مفتی - لبقوایی - حاج میرزا مرتضی - تقی زاده - زعیم .

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : محمد ولی خان اسدی - علی خان اعظمی - نظام مافی - حشمتی - بهار - حاج حسن آقا ملک در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : شیخ الاسلام ملایری - عطاء الله خانی بالیزی - جهانشاهی - میرزا حسن خان وثوق .

دترآمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : مرتضی قلیخان بیات - حق نویس - محمد تقی خان اسعد - غلامحسین میرزا مسعود .
رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا نه ؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - لایحه ایست راجع بکفالت ریاست کل مالیه تقدیم میشود و تقاضای دو فوریت هم شده است .
(لایحه مزبور بمقام ریاست تقدیم و بشرح ذیل قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی

چنانچه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است از چندین قبل دولت مشغول مطالعه و مذاکره در تجدید کنترات رئیس کل مالیه بود چون قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ در بعضی قسمت ها و مواد کاملاً واضح و روشن نبود چون در اجرای این قانون بترتیبی عمل میشد که در نظر هیئت دولت آن روبه کاملاً مطابق مفهوم و مدلول قانون مزبور نبود . چون به تجربه مدلل شده بود وضعیت که ناشی از ابهام قانون و یا تعییرات و اثرات مترتبه بر آن تولید گردیده از نقطه نظر مصالح و مقتضیات مملکتی محتاج باصلاح است .

چون در کنترات دکتر میلیسپو حکمیت خاصی رای رفع اختلاف نظر بین دولت و مشار الیه در موضوع اختیارات و تطبیق رفتار مشار الیه با قانون مقرر شده

بود که در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ مذکور نگردیده و با حدود و مقررات آن قانون نیز مبادت داشت و بهلاوه از نقطه نظر حفظ اصول اساسی هیچوجه دولت نمی توانست مصدق چنین حکمیتی بشود - لهذا پس از مذاکره و مطالعه کامل و با در نظر داشتن اصول مذکوره فوق دولت موادی رای کنترات جدید رئیس کل مالیه تهیه و بدکتر میلیسپو در تاریخ ۲۴ خرداد پیشنهاد نمود .

چنانچه آقایان محترم ملاحظه فرموده اند پیشنهاد دولت مبنی بر توضیح بعضی مواد قانون ۴ اسد و تکمیل پاره نواقص بود که در عمل مشاهده و لزوم اصلاح آن محرز گردید است .

پس از مدتی مذاکره و تبادل نظر با دکتر میلیسپو از طرف دولت تجدید نظر و بعضی اصلاحات در مواد پیشنهادی شده و در تاریخ ۲۸ تیرماه مجدداً بمشار الیه ابلاغ گردید - البته آقایان آن مواد را نیز ملاحظه فرموده اند اخیراً از طرف دکتر میلیسپو جوابی مبنی بر عدم قبول خدمت ریاست کل مالیه باشرائط پیشنهادی رسیده و به این ملاحظه دولت ناگزیر از این است که در صدد برآید اشخاصی که از حیث اطلاعات و مقام خود لیاقت کامل اداره کردن امور مالی ایران را داشته باشند پیدا نماید . چون نبل بمقصد مذکوره فوق چند هفته فرصت لازم دارد و چون دولت معتقد نیست که فزنی در ترتیب مقرر سابق راجع باداره کردن امور مالی مملکت پیش بیاید و از طرف دیگر چون بتصویب رساندن شرایط جدید کنتراتی که دولت برای ریاست کل مالیه در نظر دارد مستلزم مدتی وقت میباشد لهذا در نظر گرفته شده است که کفالت ریاست کل مالیه برای مدت پنجاه و یک روز که از کنترات مستر مکاسکی خزانه دار فعلی باقی مانده بمشار الیه محول گردد نادر خلال این مدت پیشنهاد قطعی خود را دولت بمجلس شورای ملی تقدیم نماید .

نظر بمراتب فوق از ساحت محترم مجلس شورای ملی تقاضا میشود که بتصویب ماده واحده ذیل باقید دو

فوریت اختیارات مقرر در قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ را به مستر مکاسکی برای مدت کفالت مشار الیه اعطا فرمایند .

ماده واحده - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که مستر مکاسکی را بکفالت ریاست کل مالیه برقرار نماید مستر مکاسکی برای مدت پنجاه و یک روز دارای اختیاراتی خواهد بود که قانون ۴ اسد ۱۳۰۱ برای رئیس کل مالیه سابق مقرر داشته است . رئیس الوزراء - مهدیقلی . وزیر مالیه - فیروز

رئیس - مذاکراتی که میشود راجع بفوریت است .

فوریت قسم اول . آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - بنده همیشه بفوریت مخالف هستم ولی حالا در اصل موضوع عرض دارم

رئیس - آقای باستانی :

باستانی - بنده موافقم ولی چون ایشان مخالفتی نفرمودند عجلتاً عرضی ندارم .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده در اصل موضوع عرض دارم .

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - موافقم .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - در فوریت عرضی ندارم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - در اصل موضوع عرض دارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در اصل موضوع

رئیس - آقای دهستان

دهستانی - موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - در اصل موضوع

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - در اصل موضوع

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - کسی مخالف نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت قسم اول آقایان

موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . فوریت قسم دوم مطرح است

مخالفی دارد یا نه ؟

فیروز آبادی - بنده مخالفم .

رئیس - راجع بفوریت ؟

فیروز آبادی - خیر در اصل موضوع .

رئیس - رأی میگیریم بفوریت قسم دوم . آقایان

که موافقت قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - عرض کنم در یکی از جلسات بنده

نسبت بکار مالیه و اختیاراتی که ...

بکنفر از نمایندگان - بلند تر

دکتر مصدق - بلی چشم . در یکی از جلسات

بنده راجع بمالیه و اختیاراتی که بر رئیس کل مالیه

داده شده بود عقایدی اظهار کردم و بعد هم وعده

دادم که اگر موقع برسد عقاید خودم را نسبت بخدمات

رئیس کل مالیه در مجلس شورای ملی بعرض برسانم

البته هرکسی معایبی دارد محاسنی هم دارد . امور مالیه

ما در نخت ریاست دکتر میلیسیو و وزرای وقت در این مدت چند سال رضایت بخش بوده است. زیرا حقوق ادارات دولتی که قبل از آمدن رئیس کل مالیه همیشه ناخیر می شد و بتعویق می افتاد کاملاً در آخر هر برج می رسید و حتی قبل از آمدن ایشان بعضی از اشخاص ممکن بود وسائلی نداشته باشند و حقوقشان را و احتراز کنند. ولی اینرا البته باید تصدیق کرد و گفت در این مجلس که تنها تصدی رئیس کل مالیه عامل مؤثر اوضاع مالیه نبود بلکه تشکیلات جدید مملکت و تأسیس نظام جدید بیشتر سبب میشد که آنها بتوانند موفقیت کامله پیدا کنند بنده بخاطر دارم که در موقع جنک بین المللی که خودم در وزارت مالیه بودم رئیس مأمورین مالیه طهران يك روزی آمد بهلوی من و اظهار کرد که ما چهارصد نفر ژاندارم داریم و اینها در بلوکات اطراف طهران و ورامین و اینجاها نمی توانند مالیات وصول کنند و علت این نتوانند بموقع وصول کنند تا حالا هم همان حقوقات معوق مانده است و بهشان نرسیده است ولی بعد از آمدن رئیس کل مالیه و اختیاراتی که ایشان داده شده بود در این مسائل دیگر نگرانی نبود و يك انتظاماتی در باب وصول مالیات و در باب تعدیل مخارج در مملکت پیدا شده بود و در حقیقت انتظامات مالیه که عرض کردم راجع بوصول مالیات و تأدیه حقوق ادارات يك احساسات اداری برای رئیس کل مالیه فراهم کرده بود و مردم رفته رفته عادت کرده بودند که مالیات خود را بپردازند و از اصول مسامحه کاری و غفلت که قبل از اینها معمول بود خودداری مسئله را هم این طور اظهار کرد که تفنک ندارد صدنا یا صدو پنجاه تا تفنک شاید بیشتر نداشته باشند و بقیدشان بی تفنک هستند بنده گفتم فکری باید کرد. بعد نوشتم بوزارت جنک که شایک عده تفنگی برای این ژاندارمهای ، تفنک ما بفرستید. جواب رسید که در وزارت جنک يك قبضه تفنک هم نیست که ما بفرستیم. بعد چون شنیدم که در اداره گمرک يك عده تفنک هائی که از سیستم های مختلفه

موجود است که بطور قاچاق گرفته بودند و ضبط کرده بودند. يك شرحی نوشتم با اداره گمرک که مسموع شده است در آن جا يك تفنگهائی هست آنها را بدهید بمأمورین مالیه که بروند و در وصول مالیات عملیات شان مؤثر باشد از آنجا کاغذی در جواب بنده نوشته که در اداره گمرک فقط صدوسی قبضه تفنک هست آنها هم به سیستمهای مختلفه که بعنوان قاچاق ضبط شده. بالاخره وضعیت مأمورین وصول مالیات این بود. وقتی که وضعیت مأمورین وصول این ترتیب باشد هر کس هم که باشد عملیاتش فوق العاده مؤثر واقع نمیشود برخلاف اگر مأمورین وصول مجهز باشند البته آن مدیر کار هم میتواند مقاصد خودش را اجرا کند پس از این نظر بنده عرض میکنم که تنها وجود رئیس کل مالیه و این قوانین در طرز وصول مالیات و وصول عوائد مؤثر نیست بلکه ما باید تشکر خودمان را به پیشگاه مؤسس نظام ایران تقدیم کنیم. اصل اساس ایشان هستند و الا سهل است که جالبه قبض صادر کند ولی مودی ممکن است نپردازد. چون صادر کردن قبض اشکالی ندارد و مالیه هر قدر هم در نخت تشکیلات و نظام صحیح نباشد صدور قبض اشکالی ندارد بلکه تحصیل و وصول مالیات مشکل است چنانچه در اداره مالیه الان می توانند. برای سی هزار ارباب حقوق و وظائف قبض صادر کنند بنده یقین دارم که اگر بخواهند برای مالیاتهای مردم هم يك قبوضی صادر کنند سی هزار قبض را يك عده قلیلی می توانند صادر کنند. عمده مسئله وصول است. حقیقه سهل است و ممکن است رئیس اداره يك حکم خیلی صحیحی از روی هر فلسفه صادر کند ولی در چند فرسخ آن طرف اداره خودش آن حکم را اصلاً اجرا نکند. پس بنا بر این بنده باز تشکر میکنم و عرض می کنم که این تشکیلات وضعیات را برای کار کردن هر مدبری فراهم کرده است (صحیح است) و اما اینکه بنده عرض کردم اوضاع مالیه رضایت بخش است برای این است که

مالیه مملکت دو چیز است: یکی مالیه دولت است یکی مالیه ملت و ثروت عمومی. و اگر بصفحه سیزده راجع به هفدهم خود رئیس کل مالیه مراجعه بفرمائید در آنجا معلوم میشود که ثروت عمومی ما ثروت ملی ما فوق العاده ترقی نکرده بلکه تنزل هم کرده است بنا بر این اگر ثروت ملی تنزل کرد مالیه هر قدر هم که منظم باشد و قتیکه منبع خشک شد هیچکس از چشمه خشک نمیشود و سدیراب شود بلکه باید ثروت ملی زیاد شود. این است که بنده عرض کرده مالیه ما موقفه منظم شده است ولی اگر بخواهیم حقیقه بگوئیم مالیه وجود نافع باشد که حقیقه همیشه بتواند مملکت را اداره کند آن روزی ما میتوانیم این دعا را بکنیم که ثروت ملی ما ترقی کرده باشد و ثروتی که ثروت ملی ما ترقی نکرده و تنزل کند قهراً ارزش بطور مستقیم روی مالیه دولت است. با این تفصیل و باین اعمال خوبی که بنده عرض کردم که شخص رئیس کل مالیه در وزارت مالیه داشته است او که مسؤل نظم مملکت نیست واقعاً اگر يك رئیس کل مالیه بیاید در مملکت و مملکت هم منظم نباشد او هم بوظائف خودش رفتار کند ولی مأمور وصول نداشته باشد که کار کنند چه فایده دارد؟ او که مسؤل نیست بنا بر این شخص دکتر میلیسیو رئیس کل مالیه در حدود کار خودش یعنی آنچه را که باید بکند کرده است بنا بر این. بنده با شخص دکتر میلیسیو مخالف نیستم بلکه با اختیارات ایشان مخالف هستم یعنی با تعیین اختیاراتش که در آن جلسه هم بعرض رساندم و تذکر دادم. حالا هم در همان عقیده خودم باقی هستم و عقیده بنده يك چیزی نیست که با اوضاع فرق بکند یا يك نظریاتی که عرض کردم بعد تغییر عقیده بدهم خیر. بنده عقیده را که اتخاذ کردم بهلوی خودم دلائلی را شخصاً اقامه میکنم بعد از آنکه بنظرم آن عقیده صحیح آمد آن را تعقیب میکنم ولی اگر يك اشخاصی آمدند و گفتند که این عقیده شما صحیح نیست. و باین دلیل

غلط است بنده يك کسی نیستم که لجاجت داشته باشم البته اگر آن عقیده جدید بنظره خوب و صحیح آمد تغییر عقیده خواهم داد. عرض کنم که بنده با اختیارات دکتر میلیسیو مخالف بوده زیرا اختیارات دکتر میلیسیو بعضی هایش مربوط بامور اداری مالیه بود بعضی هایش هم حقیقه مربوط باختیارات مالیه نبود يك اختیاراتی بود که روی هم رفته آنها را میشود گفت اختیارات سیاسی. بنده به این قسمت از اختیارات او مخالف هستم يك روز بنظره هست که رئیس کپائی لفظ جنوب که در طهران بود مستر فرلی و خیلی بنده خصوصیت داشت و خیلی آدم خوبی بود روزی بابکی اردوستانی کل با تفنک آمده بودند منزل بنده و از بنده دیدن کردند و آن رئیس کل بنظرم مستر جاگس بود وقتی که آمدند و نشستند و مذاکره کردند گفت که خوب این اشخاصی که در مجلس يك صحبت هائی کردند راجع به آن قرارداد یعنی آن مراسله که نوشته شده بود در زمان کابینه آقای مستوفی از من پرسید که آقایان متوضیحین و آن کسانی که اعتراض داشتند چه میگفتند؟ بنده بعضی از آن اعتراضات را که در نظرم بود و مخصوصاً بعضی از آن اعتراضات را که خود حضرت والا در کمیسیون میفرمودند باو گفتم. حقیقه خدا شاهد است که بنده هیچ ملتی را مثل ملت انگلیس در دنیا منصف ندیدم که اگر يك چیزی را انسان صحیح بگوید خودشان منصفانه تصدیق میکنند. مخصوصاً مستر جاگس نسبت به بعضی از آنها تصدیق کرد که صحیح است. بنده آنوقت بنا اختیار باد فرمایش خود آقای رئیس الوزراء افتادم که در کمیسیون فرمودند. بنده در آنجا با آقای رئیس الوزراء عرض کردم که آقا شما این مراسله را چرا امضا کردید؟ جواب دادند که ما چه کنیم دولت يك کمیسیون تشکیل داد در وزارت مالیه که آقای محتشم السلطنه وزیر مالیه بودند و آقای مشاور الممالک وزیر خارجه و من که سه نفر بودیم و رئیس کل مالیه. بعد هم مستر فرلی آمد آن جا هر چه که

فرلی گفت دکتر میلسپو تصدیق کرد ما هم چه بکنیم امضاء کردیم. عرض کنم که این گذشت و حقیقه بنده خوشم آمد از این حرف و شخص آقای رئیس الوزراء را شخص خیلی منصفی میدانم و حقیقه بنده کسی را مثل ایشان ندیدم و از خود آقای رئیس الوزراء بکرات دیده ام که اگر ایشان يك کاری برخلاف بکنند بعد واقعاً متوجه بشوند که برخلاف بوده خودشان فوراً انصاف میدهند و تصدیق می کنند و مثل بعضی هانیستند که يك کاری بکنند بعد هم شوق بایستند و خودشان را بگیرند که خیر ما صحیح کردیم. بنده تصدیق میکنم که هر کاری را که ایشان کردند بعد با ایشان عرض کنند که این کار خطا است میگویند حقیقه همینطور است و بنده شخص ایشان را تقدیس می کنم. بالاخره این مسئله گذشت. حالا هم بنده می گذارم و میروم سر مطلب مقصود من این است که تمام اینها روی اصل اختیارات است. بعد بنده چند وقت که گذشت یعنی يك ماه قبل از این در روز نامهها دیدم که خود شاهزاده وزیر مالیه که خودشان در مجلس جزو متوضیحین بودند این قدر تمقید میکردند رفته اند يك تصویب نامه صادر کرده اند بنده رجوع کردم و آن تصویب نامه را نگاه کردم و حالا عرض میکنم. تصویب نامه ایست تحت نمرة ۲۸۸۵ که از کابینه آقای هدایت گذشته است و ماده اول آن از این قرار است: دولت ایران اراضی مشروحه ذیل واقعه در آبادان را در تحت کلیه مقررات شرایط امتیاز نامه بشركت نفت انگلیس و ایران واگذار می نماید. اراضی مشروحه اینست که عرض میکنم:

۱ - ۲۵۸ جریب در شمال حدود فعلی اراضی کپانی برای نصب مخازن نفت باحفظ حق کشیدن جاده بعرض سی ذرع از شمال بجنوب.

۲ - ۳۵۴ جریب در غرب حدود فعلی اراضی کپان برای ایجاد نهریخ گاه باحفظ حق کشیدن جاده

بعرض ۳۰ ذرع

۳ - دو نقطه زمین یکی بمساحت ۲۰۸ جریب دیگری بمساحت ۲۰۰ جریب واقعه در غرب قطعه زمین از اراضی کپانی که موسوم است به باوار و انانک خارم برای نصب مخازن نفت.

۴ - ۴۷ و ۳۳ جریب در کنار رودخانه بهمن شیر در حدود شمالی اراضی کپانی برای ساختن يك باب مریض خانه.

۵ - ۲۴ و ۷۹ جریب در منتهای قسمت شرقی حدود کپانی برای قبرستان که مجموع اراضی واگذاری ۱۴۷۳ جریب می شود حالا بنده این جا لازم میدانم که يك توضیحی رای جریب بدهم.

در ایام استبداد صغیر بنده يك مسافرتی از طهران به اروپا کردم يك تذکره از دولت گرفتم آنوقت هم مثل حالا نبود که درب هر دروازه بپرسند آقا پسر کیستی، مادرت کیست، خواهرت کیست مسافر خیلی آزادانه میرفت تا سرحد ولی اگر مثل حالا بود بهتر بود چون اگر بنده را درب دروازه طهران توقیف میکردند بهتر بود تا از سرحد برگردانند. باری بنده از طهران رفتم تا رسیدم ازلی انجا خواستم بروم سوار کشتی بشوم گفتند ما باید تذکره شما را ضبط کنیم، گفتیم چرا؟ گفتند از مرکز دستور داده شده است. البته بنده آن جا ماندنی شدم خواستم در يك هتلی زندگی کنم اول رفتم در يك هتل پرسیدم که اطاق شبی چند است آن صاحب هتل گفت شبی شش قران گفتیم این جا گران است و نمیشود زندگی کرد رفتیم هتل دیگری يك قفقازی آنجا بود گفتیم کرابه هتل شبی چند است؟ گفت اوج عباسی یعنی سه عباسی، چون چهار پنج نفر از طهران باندیده همراه بودند برای هر کدام يك اطاق گرفتم. البته اطاقی که یکی سه عباسی باشد ارزان است و برای هر يك نفر يك اطاق گرفتم و گفتیم منتهایش این است که چهار اطاقی را که میگیریم در روز دو قران و دو عباسی باید

بدهیم. چند روزی آنجا ماندیم. پرسیدم که چای یکی چند است؟ گفت يك عباسی گفتیم اینهم که خوب است دیگر تا میتوانستیم دست از پا خطا کرده و هر چه میخواستیم سفارش کردیم آوردند، روز آخر صورت حساب را خواستیم دیدیم آنچه که ما خواسته ایم قیمتش پنج برابر آنقدر است که ما تصور میکردیم رسیدیم این حساب چرا پنج برابر شده است گفت بلی حالا من فهمیدم که شما اشتباه کردید یعنی یکعباسی روس را با یکعباسی ایران اشتباه کرده اید منات روس پنجقران و چیزی بالا است این را پنج بکش را حساب کنید یکعباسی روس است معلوم شد چاهی يك قران اطاق سه قران میشود گفتیم چرا روز اول نگفتی گفت اگر میگفتم که شما چهار اطاق نمیگرفتید و این قدر سفارشات نمیدادید. این کار را مخصوصاً کردم که شما زیاد سفارش بدهید دیدم واقعاً طوری درست کرده که نمیشود ابدأ اعتراضی کرد و من حالا بهر کس بروم بگویم که اطاق سه عباسی است بمن میبخندد ناچار شدم همان صورت حسابی را که برای ما معین کرده بود دادم. بنده این تصویبنامه را که دیدم خیال کردم چون در عرف جریب باصدا ششصد ذرع است این هم از همان جریب ها است بعد رجوع کردم بقانون اوزان و مقادیر دیدم آنجا جریب را هکتار معین کرده که ده هزار ذرع است بنا بر این این اراضی واگذاری چهارده میلیون و هفتصد و سی هزار ذرع میشود.

مدرس - از اهواز هم باقی می آوریم. (خنده حضار)
دکتر مصدق - بلی همینطور است. و چون بر طبق قانون اوزان و مقیاس ها يك جریب زمین ده هزار ذرع مربع است اراضی واگذاری به کپانی منجاوز از چهارده میلیون ذرع مضروب زمین میشود و بنده لازم میدانم اول فصول امتیاز نامه و بعد عقیده خود را در باب تصویبنامه بعرض آقایان محترم برسانم.

فصل دوم امتیاز نامه داری از اینقرار است:

صاحب امتیاز نامه داری حق انحصار کشیدن لوله های لازمه از سر چشمه های نفت و قیر و غیره تا خلیج فارس و كذلك شعبات لازمه لوله های فوق بجهت توزیع و تقسیم نفت بجا های دیگر خواهد بود. و كذلك حق بنای چاه های نفت و حوض ها و محل تعبیه و مواقع جمع و تقسیم و تأسیس کارخانه و غیره از هر چه لازم باشد خواهد داشت.

فصل سوم اینطور میگوید: دولت علیه ایران اراضی بایره خود را در جائیکه مهندسین صاحب امتیاز بجهت بنا و ماشین کارهایی که در فوق مذکور است لازم بدانند بجاها بصاحب امتیاز واگذار خواهند کرد و اگر آن اراضی دایره باشد صاحب امتیاز باید آنها را از دولت بقیمت عادلانه خریداری نماید و دولت علیه بصاحب امتیاز نیز حق میدهد که اراضی املاک لازمه اجرای این امتیاز از صاحبان ملك رضایت آنها اتیاع نماید و معلوم است که این اتیاع موافق شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز و مالکین مقرر خواهد شد ولی صاحبان املاک مجاز نخواهند بود که از قیمت عادلانه اراضی واقعه از حوال و حوض تجاوز نمایند. جاهای مقدسه و جمیع متعلقات آنها از دائره که دوست ذرع شعاع آن باشد مجزی و مستثنا هستند بر طبق فصل دوم کپانی حق دارد هر بنائیی را که برای استخراج و مخزن جریان نفت لازم است در خاک ایران بسازد. این هیچ محل زدید نیست. و بر طبق فصل سوم هرگاه ایشیه کپانی در اراضی بایر دولت باشد کپانی اراضی را بلاعوض تصرف میکند و چنانچه از اراضی دائره باشد دولت باید آنرا بقیمت عادلانه بفروشد. در اینصورت این تصویب نامه هم برخلاف امتیاز نامه و هم برخلاف قانون اساسی است.

وزیر مالیه - چرا؟

دکتر مصدق - اولاً برخلاف امتیاز نامه است زیرا بر طبق فصل دوم کپانی فقط حق دارد هرگونه بنائیی که برای استخراج و مخزن و جریان نفت لازم است بنماید.

از این اراضی را امروز بفروشیم و قسمت های دیگر را بعد بفروشیم و منافع بیشتری ببریم؟ ثالثاً چون در جزء تصویبنامه مقصداری از این اراضی را دولت برای بنای مریضخانه و قبرستان میدهد آیا لازم نیست که کمپانی تعهد کند که از دفن اموات در اراضی مزبوره عوارضی دریافت نکند؟ جای تعجب است که بکوقت دولت برای دو هزار ذرع زمین واقع در شهر شیراز که بانک شاهنشاهی طالب است بوظیفه خود اقدام نموده و از مجلس تصویب آنرا درخواست میکند و موقع دیگر چهارده میلیون زمین مضروب را بموجب يك تصویبنامه میدهد و حاتم بخشی مینماید...

مدرس - باید بدو اراضی را معین کنند نه تا آخر مدت شصت سال

دکتر مصدق - در این موضوع این هم عقیده شما است. باری عقیده بنده این است که از این اختیارات کلی که داده میشود رئیس کل مالیه ما فایده نمیبریم بجهت اینکه وزرای ما وقتی که خودشان مختار هستند بدو خوب به گردن خودشان می افتند بد بکنند میگویند وزیر کرده است خوب بکنند میگویند وزیر کرده است ولی وقتی که يك اختیارات مهمی به يك کسی دادند وقتی آن شخص يك چیزی را امضاء کرد محض اینکه از وزیر سؤال کنند که آقا این چیست میگوید خوب آقا من چه کم؟ شما باو اختیار داده اید. او که امضاء کرد من هم ناچارم امضاء کنم. در این مملکت که بکنفر وزیر مالیه اقتدر مقتدر بیاید بنده واقعاً خیلی آدم از خود گذشته میدانم که زیر خط رئیس کل مالیه بزند برای اینکه این شخص حقوق میخواهد بگیرد، مالیات میخواهد بدهد. همه جور معاملات با مردم دارد تازه توی خانه اش هم که نشسته است يك ملاحظاتی باید بکند. بنا بر این بنده عقیده دارم که اختیاراتی که داده می شود باید در حدود کارهای اداری باشد نه اینکه اختیارات او اقتدر زیاد باشد که

هر چه را او امضاء کرد وزراء بگویند ما ناچاریم باید امضاء کنیم. خصوصاً اینکه این اواخر دیدیم بعضی از وزراء که میخواستند بکفتری مقاومت کنند و ایستادگی کنند رئیس کل مالیه که بود آنها را از مالیه خارج میکرد و بالاخره وزراء مجبور میشدند بعد از آنکه از وزارت مالیه خارج میشدند يك تصدیقنامه از او بگیرند. بنده يك وقتی اروپا بودم يك چهل روزی بکنفر نزد بنده آشپز بود وقتی که خواست از پهلوی بنده برود گفت آقا يك رضایت نامه به من بده و بنویسد اخلاق من خوب بوده و آدم درستی بوده ام من باو گفتم در ظرف چهل روز من چطور میتوانم تمام اخلاق و حالات شما را بدانم که يك چنین تصدیقی بشما بدهم! بالاخره گفت شما يك خط سفیدی در روی خدمات من خواهید گذاشت چون پیش هر کسی بخوام بروم از من خواهند پرسید که کجا بودی بعد کجا رفتی و من باید تصدیقنامه از همه جا ارائه بدهم و اگر يك جائی بوده ام که بدون تصدیق نامه باشد بالاخره تردید میکنند در خدمات من من مجبور شدم به او تصدیقنامه بدهم و دادم. حالا کارهای مالیه ما هم بيك جائی رسیده بود که اگر يك وزیری از آنجا میخواست برود باید تصدیقنامه بگیرد که اگر يك جای دیگر بخواهد برود کار کند نگویند شما که در آنجا بودید چه کرده اید؟ پس اساساً بنده با این اختیارات کاملاً مخالف بودم و نظر بنده این بود که وزرای ما از دو حال خارج نیستند یا حقیقهٔ مردمان درستی هستند یا مردمان درستی نیستند. اگر مردمان درستی هستند هیچوقت کار بدی نمیکنند و اگر مردمان نادرستی خدای نکرده باشند آنوقت يك همچو کاغذهایی که میدهند افلا بجای نمیدهند. چطور؟ آن وزیر مثلاً میگوید من که میخواهم فلان کار را بکنم و بيك مقداری از مالیهٔ مملکت را بخشم اگر بخوام تقسیم کنیم بهر يك از افراد اهل مملکت بهر فردی فرضاً ده سانتیم

میرسد ولی چون وزیر اقتدارات و تمولش زیاد است میگوید من پنج هزار تومان میافتم پس آن پنجاه هزار تومان خودش را در موقعی که میخواهد آن کار را نکند بگیرد. اینکه دو مقابله را میگیرد و آن کار را میکند. در هر حال بنده عقیده دارم که خود وزیر کار کند و مسؤولیت وزیر در تحت مسؤولیت اشخاص خارجی دیگری که هر وقت میخواهند از این مملکت می گذارند می روند مخفی نمند و در روی این زمین بنده آقا وزیر مالیه هر وقت صحبت میکردم می گفتند بله ما می خواهیم اختیارات دکتر را محدود کنیم. بنده هم روی این اصل که ایرانی باید خودش کار کند کاملاً موافق بودم و این خوش باوری من بود. خوب: حضرت والا اگر سرکار می خواستید واقعاً باو اختیارات ندهید و دعوی شما سر اختیارات بود چطور حالا این لایحه را آورده اید و میخواهید همان اختیارات بدیگری بدهید؟ پس معلوم میشود واقعاً يك غرضی با دکتر میلیسیو داشتید؟ ما که با دکتر میلیسیو غرضی نداریم و گفتیم حقیقهٔ دکتر میلیسیو در این مملکت خدمت کرده است. ما خدمات او را گفتیم و انتباهاتش را هم گفتیم و بعد هم اگر عمری باشد در این جا بدون رودربایستی بطور مفصل خواهیم گفت اما وقتی حضرت والا شما می آئید با اختیارات او طرف میشوید بعد بنام ابرائیت و بنام اینکه ما نمیخواهیم خارجی در ایران اختیارات داشته باشد ما هم از خوش باوری با شما موافقت میکنیم. شما که میگوئید ماده ۸ مثلاً زیاد است، ماده ۹ را باید کم کنیم و روی سایر اختیارات او صحبت می کنید پس حالا چرا تشریف می آورید همین اختیارات را واگذار می کنید به يك کسی دیگر؟! حقیقهٔ ما خیلی خوش باور بودیم که فرمایشات حضرت والا را قبول کردیم بنده دیگر تعهد میکنم که دیگر اقتدر خوش باور نباشم برای اینکه روی این اصل خوش باوری بنده در این مدت در هر جا که وارد میشدم میشنیدم که

بعضی میگفتند باید علی رغم نصرت الدوله با دکتر میلیسوم موافقت کرد و بنده با این عقیده مخالفت میکردم و میگفتم خدای نکرده نصرت الدوله بد اگر نصرت الدوله بگوید باید اختیارات دکتر میلیسوم را کم کرد و يك حرف خوبی نزنند باید رد کنید؟! بنده روی این اصل که آقای نصرت الدوله بعد از مدتی میخواست يك کار خوبی بکند و میگفت ما می خواهیم اختیارات خارجیه را کم کنیم با او موافقت میکردم ولی حالا معلوم میشود که پشیمان شده اند یا اینکه در حقیقت ما را میخواسته اند اغفال بکنند بگمربنه با آن حسن عقیده که ما داشتیم با رفیقیم که کلاهمان را پس و پیش کنیم آقا از عقیده خودشان عدول کردند دلیلش چیست؟ اگر حقیقتاً خودتان صلاحیت ندارید که وزارت مالیه را اداره بفرمائید بسیار خوب اقرار کنید تشریف ببرید، استعفاء بدهید بنده عرض میکنم که در این مملکت آدمی که صلاحیت این کار را داشته باشد خیلی پیدا میشود، بنده خودم در وزارت مالیه اشخاصی سراغ دارم که خیلی خوب میتوانند کار کنند و کسان دیگری را هم سراغ دارم که در خانهای خودشان نشسته اند و منتظرند که بآنها کار رجوع کنند و امروز وظیفه دولت است که باید تشویق از اشخاص صحیح العمل بکند و آنها را وادار کند بکار و از آنها استفاده کند حضرت عالی اگر به خودتان عقیده ندارید بفرمائید که من نمیتوانم کار کنم استعفا میدهم ما هم با حضرت والا موافقت میکنیم که استعفا بدهید و بروید و يك کسی دیگر بیاید که وزارت مالیه را درست کند و اگر به خودتان عقیده دارید پس دیگر برای چهل، پنجاه روز يك اختیاراتی از مجلس برای چنین آدمی که اگر (بنده خدا را بشهادت میطلبم) دکتر میلیسوم و مکاسکی را بهلوی هم بگذارند بنده دکتر میلیسورا با همه لجاجتش ترجیح میدهم اگر واقعاً حکایت این است که در خودتان صلاحیت نمی بینید استعفا میدهید و کابینه را هم آقای رئیس الوزراء مرتب میکنند و در عوض بیست و چهار ساعت می

آیند در مجلس و میگویند که این شخص وزیر مالیه است و برای این چهل روز پنجاه روز يك ایرانی مربوط وزارت مالیه را اداره میکنند و اگر هم برای يك ترتیبی و يك نظریاتی در مدت این چهل پنجاه روز داشته باشد يك قرار داد جدیدی که حقیقتاً قابل قبول باشد می آورد در مجلس و میگذارند، و الا ما خواهش میکنیم که حضرت والا يك مرحقی بفرمایند و از همان عقایدی که داشتند صرف نظر نمایند و ما را هم نسبت به خودشان در همان عقایدی که داشتیم بگذارید باقی باشیم....

مدرس - تصویب نامه را هم موقوف الاجراء بگذارند دکتر مصدق - بلی تصویب نامه را هم موقوف الاجراء بگذارید.

وزیر مالیه - فرمایشاتی را که آقای دکتر مصدق فرمودند چندین قسمت داشت يك قسمتش که خیلی هم طرف توجه آقا واقع شده بود يك قدری خارج از مطلب بود ولی چون فرمودند بطور اختصار بنده آرا جواب عرض میکنم و آن قسمت را به تصویب نامه بود که در موقع دیگر بنده بطور تفصیل با مدارك جواب عرض خواهم کرد ولی عجله بطور اجمال عرض میکنم که این تصویب نامه را که آقا برخلاف قانون اساسی تصور کرده اند صرف عمل به امتیاز نامه داری است...

مدرس - همان فصولی را که این جا خواندند؟
وزیر مالیه - حالا اگر شما در تشخیص اینکه این اراضی را که میخواهند برای فلان قسمت باید باشد و برای قبرستان نباید باشد یا برای مریضخانه نباشد و برای لوله کشی باشد اگر در این قسمت يك نظری داشته باشید این مسئله يك موضوعی است نظری که باید نگاه کرد و دید که آیا نظران وارد است و عمل و سابقه هم که برای این امتیاز نامه بوده همینطور بوده است یا غیر از این بوده. يك قضیه دیگر هم آقای مدرس فرمودند که باید این قضایا در اول بشود نه بعدها، اینهم يك مطلبی است که باید مورد بحث واقع شود و هر قانونی در

دنیا ممکن است ابهام داشته باشد و باید تفسیر کرد و این قانون هم چنانچه قابل تفسیر باشد باید تفسیرش کرد و الا ما که مجری قانون هستیم خود ما مفسر و معبر قانون نمی توانیم بشویم و به اشخاصی هم که تفسیر و تعبیر میکنند قانون را باید اعتراض کرد برای اینکه تفسیر و تعبیر فقط از شأن مجلس است و بس. عرض کنم مسئله جریب و آن وقایع و هتل بهلوی را که فرمودند، این تفصیلات خیلی خوب و خوش مزه بود ولی بنده میترسم که باز يك اشتباهی در سه عباسی روسی و ترکی و ایرانی شده باشد. آقا جریب را جریب رسمی تصور فرمودند و جریبی که در قانون ذکر شده و يك رقبی هم ذکر کردند که تناقض داشت در اول موقع فرمودند چهارده میلیون و بعد سه میلیون فرمودند...

دکتر مصدق - سه میلیون برای تفریح کاه.
وزیر مالیه - در هر صورت این جریب جریب آبادان است که حالا بنده بواسطه بدی حافظه که دارم بطور قطع نمی توانم عرض کنم که جریب آنجا چه قدر است و در دو سه هست و وقتی حساب بکنند با اراضی باری که در آنجا افتاده و برای آن مقاصدی که میخواهند چیز زیادی نیست و ممکن است آنرا بدهیم يك قسمتی را هم که آقای مدرس فرمودند آن جدا است يك قضیه ایست که ممکن است بحث کرد و ممکن است تدقیق کرد چون نا بحال بحث نشده بود و آن حساب ها را که فرمودید تطبیق نمیکند و بنده حاضرم مفصلتر با آن صورت ها و آن ارقام با آقایان صحبت کنم و روی هم رفته ثابت کنم که خلاف قانون اساسی و خلاف امتیاز نامه نیست و امتیاز نامه این حق را میدهد. و راجع به بانک شیراز هم که فرمودید البته در این موقع مقید بودم که آنرا به مجلس بیاورد چون قانونی راجع باین موضوع موجود نبود ولی راجع به اراضی آبادان چون در امتیاز نامه مقید بود ما این کار را کردیم...

مدرس - باید فروخته باشید.
وزیر مالیه - اجازه بدهید آقا. بنده وقتی عریضی می کنم گوش بدهید بعد تشریف بیاورید جواب بدهید...
مدرس - آبادان من رفته ام يك وجب زمین با بر ندارد.
وزیر مالیه - عرض کنم تصویب نامه تعیین اراضی را نمیکند این اراضی مطابق امتیاز نامه اگر با بر باشد مجانی داده میشود و اگر دائر بود بقیمت عادلانه باید داده شود و يك ماده دیگر که ماده پنجم تصویب نامه است و آقا نخوانند او را هم پیش بینی کردیم که اگر يك وقتی معلوم شد آن اراضی مال دولت نیست باید مالککش را راضی کنند. اینها يك عملیات اداری است و مربوط به تصویب نامه نیست، تصویب نامه اساس را تصدیق کرده و تشخیص اینکه این زمین با بر است یا با بر نیست و قیمت آن چه چیز است یا نیست این با وزارت مالیه است که بر طبق آن تصویب نامه از وزارت مالیه به فارس دستور العمل داده ام که نماینده بفرستد و با نماینده آن ها تشخیص بدهند و حدود را ضرابا معین کنند و دایر نبودن و دایر بودنش را معین کنند.
اما حالا می آئیم سر اصل مطلب، میدانم آقای مصدق السلطنه گاهی خودشان دقت میفرمایند که در ضمن شوخیهایشان زندگی دارد؟ موضوع عقیده به اختیارات يك چیزی است که ما این بنده و ایشان مفصلاً بحث شده و ایشان میدانند که بنده با اختیارات آن ترتیبی که در قوانین بوده است عقیدتاً مخالفم اما نه به آن درجه که ایشان مخالف بودند. آقای مصدق السلطنه خیلی بیشتر از بنده مخالف بودند و عقیده بنده با ایشان خیلی فرق دارد. بنده يك قسمت از اختیارات را خوب میدانم و يك قسمت دیگر را برای يك مدتی بد میدانم و با يك قسمت مخالفم و بطوریکه خودشان اختیارات اداری و سیاسی را از هم تفکیک کردند اگر يك موادی

اختیاراتی داده باشد به يك مستخدم خارجی كه مؤثر در امور سیاسی بتواند بشود این يك چیزی است كه بنده هیچوقت با آن موافق نیستم اما وقتی كه شما يك نفر مستخدم برای خودتان از خارجه می آورید باید برای مجلس را در نظر گرفت و باید برای هیئت دولت را دید و مقتضیات مملکت را هم كه همه اجاعاً در نظر میگیرند سنجید و تا وقتی كه شما محتاج هستید به آوردن يك مستخدمی البته باید در حدود کارهای داری يك اختیاراتی به او داد تمام این مذاکراتی را كه ایشان فرمودند صحیح است و بنده معترض بودم و اعتراض داشتم و حالا هم عرض میکنم اما این جا يك استدعا و تمنا میکنم كه آقایان ملاحظه فرمایند با این مقدماتی كه ما در نظر گرفتیم میخواستیم يك اختیاراتی را تا آن اندازه كه مضر نباشد بدهیم كه موادش را هم آقایان در روزنامه ملاحظه فرموده اند ولی حالا ناچاراً برای يك مدت موقتی و برای اینکه امروز كه يكشنبه اول امرداد است و رئیس كل مالیه نیست كارها فلج نماند و كارها معوق نماند یا كارها از صورت فعلی بدون مطالعه خارج نشده باشد آیا غیر از این راهی فرض میگردید كه ما بیاییم بگوئیم كه این قانون چهارم اسد را كه يك ماه دوماه دیگر از عمر طبیعی خودش باقی مانده به يك نفر دیگر را گذار کنیم كه مادر اینممدت برویم مطالعات خود را بنهائیم و قانون را بنویسیم و بیاوریم این جا باشا بحث کنیم؟ و بالاخره مطالعات خودمان را می کنیم و نتیجه آنرا به مجلس میاوریم و مجلس هم حکمیت میکند و هرطور كه دستور داد ما مجری میکنیم بعلاوه يك چیزی را بنده به آقایان خواهم تذكر بدهم اصل موضوع اختلاف بنده و هیئت دولت و اعتراض مهم و اعتراض اصلی روی موضوع این حکمیت من در آوردی بوده است. آقای دکتر مصدق خوب میدانند كه قانون چهارم اسد هیچ ذکری از حکمیت نکرده است و معایب و مفاسد بزرگ این تجاوزانی را كه ما قائل هستیم و

بودیم اینها قسمت عمده اش ناشی از این يك قسمت بوده است و تمام این صرايض را كه من کردم تصور نفرمائید و نسبت این را هم به بنده ندهید كه نسبت به آنها سست شده ام، خیر بنده در آن قانون چهارم اسد يك موادی است كه بواسطه ابهامش خوب نمیدانم و بعضی موادش اساساً خوب نیست ولی تصدیق بفرمائید كه اگر ما امروز میخواهیم بیاییم وقت مجلس را صرف کنیم در این لایحه قبل از اینکه يك طرف مقابلی كه بالاخره باید بموجب این قانون كنفترات شود و رضایت او هم شرط است نتیجه نخواهد داشت و تا ما بیاییم با يك کسی مذاكره کنیم كارهای مالیه بحال تعویق باقی میماند و این يك كار لغو و بیهوده خواهد بود پس بهتر این بود كه همین قانون چهارم اسد را بگذاریم پنجاه روز دیگر هم پیش برود تا اینکه آن معایب بزرگی هم كه در خود قانون نیست و در كنفترات بود مرتفع شود. بالاخره اصل مطلب بر این است كه آیا ما محتاج هستیم به اینکه يك رئیس كل مالیه نوعی با بعضی اختیارات در مالیه خودمان داشته باشیم یا نه؟ اگر اکثریت مجلس و اکثریت هیئت دولت موافق با عقیده آقای دکتر مصدق باشند آنوقت البته بنده كاملاً مصدق میشدم كه این كار تمییسی بشود ولی وقتی كه رویهمرفته عقیده بر این است (و خود بنده هم یکی از اشخاصی هستم كه با این قسمت موافقم و معتقدم و همین جا پشت همین تریبون هم اگر خاطر آقایان باشد در موضوع متخصص و متخصص آوردن عرض کرده ام كه ما متخصص میخواهیم ولی متخصص یعنی تمام كله نه اشخاصی كه از هیچ جا اطلاع ندارند و می آیند این جا و از این خودمانی ها كسب اطلاع میکنند) بنده معتقدم كه متخصص ما لازم داریم و باید متخصص حسابی بیاوریم و متخصص را هم كه می آوریم باید يك اختیارات اداری به او بدهیم تا بتواند كار كند و باید اختیارات خزانه داری ما به آن مسؤل خزانه خود بدهیم ولی باید او نوكر حرف قانون باشد این عقیده قطعاً قطعی خود بنده و هیئت

دولت است خوب وقتی كه ما این عقیده را داشته باشیم تصدیق میفرمائید قانونی را كه میخواهیم بیاوریم به مجلس و اختیاراتی را كه میخواهیم بدهیم باید فكر این را بكنیم كه مجری این چه کسی خواهد بود و باید يك قدری هم نظر او را بگیریم و با او خرف نزنیم این دلایل بود كه ما را معتقد کرده است كه این پنجاه روزی كه از كنفترات مكاسکی باقی مانده است این اختیارات را به بدهیم و بنده یقین دارم كه قبل از انقضای این مدت دولت تصمیم قطعی خودش را خواهد گرفت و عرض آقایان خواهد رساند پس خوب است در اینممدت ما خودمان را معطل این مباحثات نكنیم و بگذارید كه يك چند صبحی دیگر هم این قانون دوام داشته باشد و تمام این مباحثات را در اصل مطلب خواهیم كرد و هر اعتراضی كه دارید وقتی كه آن قانون را آوردیم اینجا بحث میکنیم و اگر موافقت نظر حاصل شود اصلاحاتی را كه در نظر داریم خواهیم كرد ولی در قسمت دیگر بنده موافقم كه بیایستی يك اختیاراتی قائل شد و يك اختیارات اداری از نقطه نظر خزانه داری ایجاد كرد. در هر حال بحث این مذاكره را در آنموقع میکنیم. عجلتاً آقای دکتر مصدق این لطف و محبت را بفرمایند و از این عقیده منصرف شوند كه آدم خوش باوری هستند زیرا نه ایشان اینطور خوش باور هستند و نه بنده اینطور سست عقیده كه در ظرف دوسه روز تغییر عقیده بدهم و این را میدانند به بنده رضایت نامه بگیریم نیستم كه برای خاطر رضایت نامه تغییر عقیده داده باشم.

رئیس - آقای ارباب مخالفید؟

ارباب کیخسرو - بلی

رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - هیچ جای تردید نیست كه ما از وقتی كه تصدیق كردیم متخصص برای مالیه باید بیاوریم معتقد شدیم باینكه مالیه مان خراب است. در دوره دوم تقنینیه مجلس شورای ملی افتخار داشت و اولین اقدام را

كرد و شوستر را آورد و متأسفانه او روی امانتش رفت دوره چهارم مجلس هم اقدام كرد كه يكعده متخصصین دیگر بیاورد در این مرتبه هم آن کسی كه رئیسشان بود رفت بنده هنوز نمیدانم كه حقیقه موضوع دعوی سر چه بوده؟ نزاعهایی در گرفت و بالاخره نتیجه این شد كه دکتر میلیسیو مبرود والینه فیها این موافقت حاصل نشده است و او خواسته است زود مختار است اما اینکه در اینجا گفته شد كه دولت مجبور بوده است يك چیزهایی كه برخلاف مصالح مملکت بوده است مضاء كند بنده آن دولت را دولت قوی ندانسته و نمیدانم قدرت دولتی كه در مجلس می آید معرفی میشود و تکیه گاه او مجلس است بالاتر از این است كه آن چیزی كه برخلاف مصالح مملکت است مضاء كند بنده خود در موقعی كه قرارداد دکتر میلیسیو از مجلس میگذشت در مجلس نبودم. در موقعی بود كه از مجلس اجازه گرفته بودم و به دماوند رفته بودم و اگر آنوقت بوده مخالفت میکردم در اثر چه؟ در اثر يك اختیاراتی كه به شوستر داده شد و بعد از اینکه او رفت برای ما سبب زحمت شد البته هر كدام از اینها كه بمملکت آمده اند نیتشان خوب بوده است ولی در موقعی كه آن اختیارات داده شده است و یا اگر هم داده نشده است قدرت آنها بلکه ضعف دولتهای ما باعث شده است كه آنها سوء استفاده کرده اند ولی با وجود اینها دکتر میلیسیو خدمت کرده است دکتر میلیسیو تبدیل كرد مملکتی را كه عوض حقوق آجر میدادند به آنجائی كه حقوق تمام ادارات مرتب میرسید (نمایندگان - صحیح است) دکتر میلیسیو تمرکز داد بمالیه و خدماتی كرد كه میتوانیم بر شماریم البته يك مسائلی هم بوده است كه نباید اغماض كرد آقای دکتر مصدق شرح آن را بیان كردند البته پیشرفت عمل آنها در سایه يك توجهانی بود كه از مقامات عالی نری شده اما انصاف بدهید. اگر کسی هم بود كه نمیخواست بکند آب بازم پیشرفت میکرد؟ دکتر میلیسیو برای این

مملکت امین بود. دکتر میلیسو رفت ولی حالا بجای او میخواهند کس دیگری را بیاورند بنده در اینجا حرف دارم. این مکاسکی را که بجای دکتر میلیسو میخواهند بگذارند کسی است که همراه شوستر آمده بنده از همان وقت با او آشنا بودم نه دکتر میلیسو برادر بنده بود نه با مکاسکی مخالف هستم ولی اولاً باید به بینیم مکاسکی را که میخواهند سراینکار بگذارند از عهد بر میآید یا نه؟ ثانیاً این شخص خزانه دار بوده است. کی را بجای او خواهید گذاشت؟ از آن طرف باید دانست که حساب مدت خزانه داریش را بکی داده است...

بکنفر از نمایندگان - پوهارا میخواهند بخورند

ارباب کیخسرو - یکی از علی را که ما بری خرابی مالیه میتوانیم ذکر کنیم غالباً از اطرافیان این اشخاص بوده. میخواهیم به بینیم مکاسکی که الان میخواهد رئیس مالیه بشود اطرافیان او معتبرتر و محترمتر از اطرافیان دکتر میلیسو هستند وزیر مالیه با آنها چه خواهد کرد؟ یکی از اعتراضات اساسی که آقای دکتر مصدق کردند این بود که ما آن مواد را مضر میدانستیم بدست دکتر میلیسو بدهیم در صورتیکه دکتر میلیسو را بنده شخصاً امین میدانستم حالا بنده نمیدانم چرا همان اختیارات باید به مکاسکی داده شود؟ می فرمایند پنجاه روز بیشتر نیست. بنده عرض می کنم (یک ساعت) بالاخره ما نمی توانیم یک اختیاراتی را به دست یک کسی بدهیم که یک نظر بانی نسبت به اطرافیان است (نمایندگان - صحیح است) میگویند تا مدت پنجاه و یک روز این اختیارات را باو میدهیم. خوب. حقوق این شخص چیست؟ بنده اینجا میخواهم راجع مکاسکی و خزانه داری و کیفی هائیکه دورش جمع شده اند یک مثلی عرض کنم که مربوط به مجلس شورای ملی است. ما آمدیم از طرف مجلس یک مطبعه ایجاد کردیم. بنده رفتم زحمت کشیدم. یک مقداری ماشین خریدم آوردم.

متخصص هم آوردم تمام اصل مقصود ما این بود که حوائج دولت را در اینجا رفع کنیم. حوائج عمده دولت چیست؟ نمبر و باندرل. خواستیم نمبر پست چاپ کنیم تقریباً در یک مدتی هشتاد و دو سه میلیون نمبر مطبعه مجلس چاپ کرد و در حدود پنجاه و دو سه میلیون هم دستور داده شد. بنده متأسفانه نمیدانستم این مسئله طرح میشود که نمونه آنها را بیاورم نشان بدهم اما چه مخالفت هائی با مطبعه مجلس شد و از همان ناحیه چه کردند چه عرض کنم! اولاً آمدند تمثال اعلیحضرت را دادند جای دیگر درست کنند و یک تمثال خراب شده را دادند مطبعه چاپ کند بنده کاغذ رسمی نوشتم خودم حضوراً رفتم کفتم تمثال اعلیحضرت را بدهید خودمان درست می کنیم خودمان بیرون می دهیم. گفتند که چون مقرر داد کرده ایم که صد تومان بیک شخص دیگری در خارج بدهیم و باید صد تومان را زنده کرد باید از تصویر اعلیحضرت را بکشند. بسیار خوب عاقبت گفتیم پس برای نمبر استدعا داریم آن تمثال اعلیحضرت را که خودشان پسند کرده اند به ما بدهید. آیا تا این ساعت داده اند؟ خیر. امکان نداشت! ما که زورمان به آنها نمیرسد بالاخره کلیشه شیر و خورشیدش را خودمان ساختیم و بیرون دادیم و استدعا دارم در موقع تنفس بنده نمونه ها را می آورم و آقایان ملاحظه فرمایند اگر بهتر از نمبرهای هارلم نیست کمتر از آنها نیست اگر هم بدتر باشد بالاخره شما که تلگراف بی سیم می آورید برای اینکه حوائج مملکت را تکمیل کنید اگر بنا باشد یک چیزی را که آوردید و منفعت داشت آنوقت بگوئید (خارج خارج) هیچوقت ما آدم نخواهیم شد و نمیتوانیم بدست خودمان کاری بکنیم. ایشان در سال گذشته میخواستند یک دستور کلی به هارلم بدهند (چون بنده از اعمال کیانی و این جور چیزها اطلاع دارم) گفتند. وزارت پست و تلگراف این جور عقیده دارد. بنده رئیس کل پست را دیدم گفت نظر شخص اعلیحضرت است رقم خودم

شخصاً پیش اعلیحضرت فرمودند تمثال من. هر بدی چاپ شود باید در ایران چاپ شود و بخارج نرود. بعد به آنها گفتم اعلیحضرت اینطور میفرمایند پس حرف شما چیست بالاخره در تحت این ترتیبات روز بروز هر چه گفتند و سائلش را تکمیل کردیم باز اخیراً شنیدیم که میخواهند به هارلم دستور بدهند. برای چه؟ رای اینکه یک حق العملهائی بگیرند. بنده خودم در سفر چهار سال قبل از این که از فرنک میآمدم با چند نفر همراه بودم در ایستگاه های راه روسیه خود بنده دیده نمبر های صد تائی ناصرالدین شاهی نورا به قیمت خیلی ارزان میفروختند. حالا از کجا آمده است؟! نمیدانم این دفعه چه کردند؟ این دفعه نمیدانم کی تمثال اعلیحضرت را فرستاده اند در مطبعه هارلم و در آنجا با هر وضعیتی که بوده است نمونه نمبر را بیرون آورده اند و گفته اند پسند شده است اما کدام تمثال را بما دادند که ما درست در نیاوریم که بگویند بد است؟ بموجب ماده چهارده قانون پستی تصویب شکل نمبر از مختصات دولت است بدون تصویب دولت نمونه نمبر در مطبعه هارلم ساخته می شود ما مگر توانستیم تمثال اعلیحضرت را از مکاسکی و اشخاص اطرافیش بگیریم؟! بنده در همین قسمت چند سندی است از آقای وزیر مالیه سؤال کرده ام و باید جواب بدهند...

وزیر مالیه - الان عرض میکنم.

ارباب کیخسرو - آنوقت آقایان میخواهند مالیه مملکت را بدهند باین شخص یا کسانی که دورش هستند بنده البته نسبت بخود این شخص این قدرها بدبین نیستم ولی نسبت به اطرافیان بدبین هستم. بعلاوه اینجا چند چیز هست. اولاً بجهت این اختیارات باین شخص داده میشود؟ دیگر اینکه اختیار پنجاه روزه برای چیست؟ آقای وزیر مالیه فرمودند خواهش میکنم التماس میکنم. آقا: مگر مسائل مملکتی بخواهش و التماس است؟! هیئت دولت فعلی از روزی که تشکیل شده

نظرش این شده است که یک ترتیبی در کار رئیس کل مالیه بدهند یا اصلاح کنند. در این مدت در نظر نگرفتند که برای این کار یک ترتیبی بدهند. بعلاوه از وقتی که در این چند روزه نظر معلوم شده است که موافقت حاصل نمیشود هیچ اشکالی نداشت که آن قانون را در نظر می گرفتند و اصلاحاتی که لازم بود در نظر می گرفتند و قسمتهای زائدش را حذف میکردند و میگفتند ما باین قسمت این شخص را حاضر میکنیم که چهل پنجاه روز بیاید و امتحان خودش را هم بدهد. اگر چه بنده هنوز مردد هستم که مصدق و بیز امتحان کننده کی خواهد بود و چه جور امتحان خواهد داد. و بالاخره اولاً بنده موافق نیستم که عین حقوق دکتر میلیسو باین شخص داده شود یعنی عین اختیارات معینه در آن قانون و اگذار شود موافق نیستم ثانیاً چه حقوق مالی برای این شخص در ظرف این پنجاه روز معین خواهند کرد؟ چون این شخص خزانه دار است و یک حقوق معین و مشخص دارد در ظرف این مدت چه حقوقی به او می دهند؟ و بطوری که عرض کردم امور خزانه داری به کی محول خواهد شد؟ و محاسبات خزانه داری به کی تحویل میشود؟ بالاخره اینها را معلوم فرمایند که لایحه را باین دو فوریت آوردن و گذراندن ما در این چند دوره که در مجلس بودیم امتحان کردیم که کار هائیکه به عجله میآید در مجلس و میگذرد آنوقت فردا پشیمان میشویم و بدست خودمان هم کرده ایم. پس خوب است سعی کنیم که بعد پشیمان نشویم

رئیس - چند دقیقه تنفس داده می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای باسائی موافقتند؟

باسائی - بلی

رئیس - بفرمائید

باسائی - بنده امروز دیدم بیشتر مذاکرات که میبایستی بشود مربوط به این لایحه نیست و اغلب خارج از موضوع و در اطراف و حواشی موضوع بود. کمتر آقایان در متن مطلب مذاکراتی فرمودند. بعضی هم بصورت موافقت مثل آقای دکتر مصدق که يك مخالفت شدیدی با دکتر میلیسو کردند و اسمش را موافقت گذاشتند و بنده خیلی دقیق بودم در فرمایشات ایشان و دیدم جز مخالفت با دکتر میلیسو چیز دیگری نبود ولی اسمش این بود که با ماده واحده مخالفت و با وضعیات سابق موافق در هر حال بنده میخواهم عرض کنم که این مذاکراتی که در اطراف مالیه فعلی میشود و مقایسه که مالیه کنونی با سابق میشود بیشتر از نقطه نظر طهران است یعنی مالیه طهران خیلی خوب است اما در ولایات و ایالات خیلی بد است. خواهش میکنم نمایندگان ایالات و ولایات در عرایض بنده دقت بفرمایند. بله در طهران حقوق به ما مرتب میرسد. وجوهی مرتباً از دروازه های طهران وارد میشود و بدست ماها میدهند و در خیابان لاله زار فرو میرود و از دروازه های مملکت بیرون میرود و میرود بخارج و ولی باید به بینیم مأمورین مالیه در قراء و قصبات و ایالات و ولایات چه میکنند؟ این قسمت را باید آقایان ملاحظه کنند. بالاخره انتظامات مالیه محلی مورد علاقه ماها بوده و هست و بینی بین الله دکتر میلیسو هم خوب موفق شد که وضعیت خرج و دخل این مملکت را منظم کند و روی هم رفته در نتیجه مطالعاتی که بنده کردم دکتر میلیسو يك ناظر خرج خیلی خوبی بود برای این مملکت و همیشه مراقب معادله بودجه بوده است که يك تفاوت های بین و فاحشی خرج و دخل پیدا نکنند البته این اصلاح مملکت بوده است و البته مجلس شورای ملی هم باید ناظر خرج خوبی باشد. ماها هم از طرف ملت نماینده ایم که این نظارت خودمان را در هر مورد اعمال کنیم. ان شاء الله موفق هم

که امین مالیه کرمان به اندازه يك حمل ایرانی اطلاعات مالیه ندارد هرچه میخواهد آن پیشکارش میکند اینها را بنده هیچکدام را مربوط بدکتر میلیسو نمیدانم و معتقدم که شخص خدمتگذار مبنی است و اطلاعات او بد نیست خصوصاً تجربیات او بسیار خوب است ولی در عین حال ما مستخدم میخواهیم ما میلیسو را میخواهیم که مستخدم دولت باشد. آن چیزی که نام اختلاف بود بین دولت و رئیس کل مالیه مسئله طرز حکمیت بود. يك مرتبه دیگر هم اینجا مذاکره شد در قانون چهارم اسد طرز حکمیت بین دولت ایران و دکتر میلیسو پیش بینی نشده بود بعد آقای علاء که نماینده بودند در واشنگتن اینرا اضافه کردند با دولت ایران اضافه کرد. در هر حال در کمترات پیش از این ماده قید شد و خرده خرده شده که يك نخبه زانی ز طرف میسیون امریکائی برخلاف این قانون میشود ولی علتش را این اواخر فهمیدیم که این حکمیت باعث شده است که دولت ایران ساکت باشد. زیرا مسئله حکمیت دولت ایران را مجبور کرده بود که در مقابل مقاومت های آنها سکوت اختیار کند مثلاً خود بنده رئیس اداره قانون استخدام کشوری را دیدم که قانون را تفسیر میکنند گفتیم آقای من واضع قانون هستم صورت مجلس هست. عقاید و کلا در آنجا هست. میگفت من اینطور می فهمم و بالاخره برخلاف قانون عمل میکردند. خلاصه آن طرز حکمیت باعث شده بود که دولت ایران در برابر آن نخبه زانان سکوت اختیار کند. اخیراً از طرف دولت ایران تکلیف شده بود که ما حاضریم طرز حکمیت را عوض کنیم اگر اختلافی بین وزیر و رئیس کل مالیه حاصل شد آن اختلاف ارجاع میشود به هیئت وزراء و رأی هیئت دولت قطعی است اگر چنانچه آن اختلاف راجع بفهم قانون است یعنی وزیر مالیه در قانون کمترت از يك عبارتی يك مطلی را بيك طرز خاصی استنباط میکند و رئیس کل مالیه يك طور دیگری. آنوقت مسئله را

رجوع کنند بيك هیئت سه نفری که عبارت از رؤسای قوای ثلاثه عالیترین مقامات این مملکت یعنی رئیس مجلس شورای ملی، رئیس الوزراء و رئیس دیوان عالی نیز این سه نفر جلسه میکنند و آن ماده قانون را در تحت نظر میگیرند هرچه فهمیدند اطلاع میدهند بر رئیس کل مالیه و وزیر مالیه آنها هم اطاعت میکنند و اگر ماده مهم بود آن هیئت سه نفری لازمه دانستند که مجلس شورای ملی آنرا تفسیر کند آنوقت يك لایحه تنظیم کنند و بفرستند به مجلس شورای ملی و مجلس هر چه رأی داد قطعی باشد. این طرز حکمیتی بود که دولت ایران بدکتر میلیسو تکلیف میکرد که قبول کند دکتر میلیسو میگفت که ممکن است دولت ایران و هیئت دولت در تحت تأثیرات سیاسی واقع شود و من راضی به حکمیت هیئت دولت نمیشوم بلکه بکنفران من معین میکنم و بکنفران دولت ایران، وزیر مالیه را نمیشناخت و خودش را در عرض دولت ایران قرار میداده است دولت ایران هم من را قبول نمیکرد و بنده عقیده دارم که خیلی هم خوب میکرد که او هم بيك حکمی بر علیه دولت ما حق داشته باشد معین کند زیرا این مسئله بيك نوع کاپیتولاسیون خصوصی بود. آنها در موقعی که الغاء کاپیتولاسیون را ما در این مملکت میخواهیم اجراء کنیم. ما به اختلاف این بود. بنده شنیدم (ولی از خود دکتر میلیسو نشنیدم) که ایشان گفته بودند من وزیر مختار امریکا را حکم قرار میدهم بعد تکذیب کرده بود و گفته بود بکنفران ایرانی را معین میکنیم. معیناً بنده عقیده دارم چون منتخب بکنفران خارجی است نباید اختیار داد. به او که بيك حکمی بر علیه دولت ایران اختیار کند. در هر حال ما به اختلاف اساس این بود و دکتر میلیسو مطابق اطلاعاتی که ما رسیده حاضر شده است آن طرز را که دولت پیشنهاد کرده است قبول کند و دولت ناچار شده است که بيك علاج فوری برای این کار پیدا کند. برای اینکه در موقعی بود که ایشان میتوانند

از مرخصی شائب استفاده کنند دو ماه و بازده روز گویا حق داشتند از مرخصی شان استفاده کنند و ما بمقتو استیم بایشان بگوئیم که از مرخصی استفاده نکن و در این موقع هم که اختلاف نظر حل نشده بود که آیا ما متخصص خارجی در آنیه لازم داریم یا نداریم. بنده از اشخاصی هستم که میگویم متخصص خارجی نظیر دکتر میلپو یا بهتر از دکتر میلپو برای ایران لازم است. بنا بر این آمدند و این کار را کردند. شخص بنده هم آنچه مراجعه کردم به نمایندگان محترم در خارج و داخل گفتند بهترین اشخاص بعد از دکتر میلپو همین مکاسکی است که همراه شوستر هم این مملکت آمده بود و در این هیئت اخیر هم داخل بوده است. شاید اطلاعات این شخص، معلومات این شخص، شجاعت این شخص به اندازه دکتر میلپو نباشد ولی آنچه که بنده تحقیق کرده ام يك محاسب بی بدلی است و در این مدت پنجاه روز ما این شخص را با همان اختیارات به کفالت مالیه میکاریم و دولت هم باید در نظر داشته باشد که در این مدت وسائل استخدام بکنفر امریکائی عالی مقام تر از دکتر میلپو را فراهم نماید و کمترت او را بیارود مجلس گفته شد که اگر دولت مخالف با این اختیارات بود چرا عین اختیارات را واگذار به این شخص می کند، این اعتراضی است که ظاهراً وارد است ولی اگر موقع را آقایان معترضین در نظر بگیرند تصدیق میفرمایند که این اعتراض وارد نیست زیرا حد اختیار هنوز مابین نمایندگان و هیئت وزراء حل نشده است تا يك حدی قائل شویم. بنده تا يك حدی قائل هستم بعد اختیارات. آقای دادگر تا يك حد دیگر. بالاخره هنوز يك نظر وجدانی پیدا نشده است که ما بگوئیم حدود اختیارات آن مستخدم خارجی اینطور باشد و اگر بخواهیم الان وارد این قضیه شویم چندین جلسه وقت لازم دارد در صورتیکه بایستی همین امروز ما تکلیف مالیه و خزانه را معین کنیم زیرا از قراریکه شنیده ام دکتر میلپو امروز در سر خدمت

حاضر نشده است. يك قسمت مذاکراتی آقای ارباب راجع به اطرافیان مکاسکی فرمودند که بنده درست آنها را نمیشناسم ایشان نا بحال در خزانه بوده اند اعضاء خزانه هم لابد بحال سابقشان باقی هستند ولی ما حالاً میخواهیم ایشان را انتقال بدهیم به دفتر کل مالیه با این قید که حالا بدولت تذکر میدهم که کمپانی مالیه هنوز درست مغل نشده است همینطور که در اطراف مکاسکی يك اشخاصی بودند که يك نظر های غلطی میدادند همینطور هم در اطراف دکتر میلپو بودند و ما کراً در این خصوص با دکتر میلپو مذاکره کردیم که اینها نظریات خوبی ندارند و شاید نظریات اشخاصی شان بیشتر باشد. در هر حال ما از دولت خواهش میکنیم که مکاسکی را که کفیل قرار میدهند برای مالیه ایران یا این قید باشد که آن مستخدمینی که در این مدت پنجاه روز زیر دست این شخص هستند يك مستخدمین جدیدی باشند که قضا یا به سادگی بگذرد زیرا همانطور که سایر رفقاً تذکر دادند اگر با همان کمیابها بخواهند این کار را بکنند بنده هم مخالفم زیرا بالاخره در اطراف مستر رید و يك اشخاصی يك حرفهائی میزنند بهر حال مستر رید نباید برود نوی دفتر رئیس کل مالیه ...

حاج شیخ بیات - داخل در شخصیات نشوید.

یاسائی - صحبت شخصی نیست بالاخره وقتی کلیات را تطبیق می کنیم مصادیق ناچار داخل در جزئیات می شویم زیرا در اطراف کلیات باید يك مصادیقی را در نظر گرفت میفرمایند خوب این خزانه دار را کی حسابش را رسیده و قبل از اینکه به حسابش برسند چطور او را میآورند کفیل مالیه میکنند بنده هم در این اظهار ایشان شریک هستم ولی خودشان میفرمایند دکتر میلپو شخص امینی است. بنده هم عقیده ام این است که شخص امینی است ولی بالاخره فرمودند که حساب دکتر میلپو را که میرسد؟ پس چه فرقی است مابین دکتر میلپو و شخص مکاسکی؟ وقتی که ما معتقد شدیم

که دکتر میلپو شخص امینی است و خزانه دار هم مسؤول او بود و او هم مسؤول دولت ایران است بنا بر این نگرانی مورد ندارد و بنده تصور نمیکنم با مراقبت و نظارت نام و نامی که دکتر میلپو در خرج و دخل مملکت اعمال میکرد يك نگرانیهای ما بتوانیم اظهار کنیم بنده خیال میکنم که وضعیات محاسبات و خزانه خیلی روشن باشد. اگر چه اطلاعات وافی ندارم در هر حال در این مدت پنجاه روز اگر دولت يك مطالعات و مراجعاتی به محاسبات خزانه و مالیه بکنند و مجلس را هم از وضعیات و زار مالییه مطلع کنند البته خیلی پسندیده و خوبست و يك نگرانیهای هم اگر هست مرتفع میشود يك حرفهائی هم هست یعنی يك اشخاصی میگویند که این عوائد بصورت ارقام است وقتی که ما بصورت ارزاق رسیدگی کردیم دیدیم همین طور است. پول نیست حساب ارباب حیدر علی است. وقتی که ما با وزیر مالیه صحبت کردیم تعجب کرد. ارباب حیدر علی يك آدمی است که ضامن يك عده چارو دار عرب شده است و چهار صدو پنجاه هزار تومان پیش کرایه از ارزاق گرفته و خورده است در ایش را هم انتقال داده است به بچهایش و مفلس شده است عربها هم گذاشته اند و رفته اند. شتر هاشان هم مرده است این بوده است وضعیت ارزاق. بالاخره حساب ارباب حیدر علی نباشد این را لازم است تذکر بدهم که آقایان وزراء هم متوجه باشند به حساب خزانه که آنها مثل ارزاق نباشد. يك حسابهای نباشد که بالاخره جور کرده باشند. و جلو ما بگذارند. در هر حال يك موضوع دیگری را هم که لازم است تذکر بدهم این است که اطلاع پیدا کردم که در نتیجه این مذاکرات دوسه ماهه دکتر میلپو شاید آن توجهی که سابق بمالیه داشت نداشته و در همه جا عوائد نکس پیدا کرده است. عوائد سرحدی نکس پیدا کرده است. عایدات مستقیم همین طور اگر مقایسه بفرمائید عوائد سه ماهه ۱۳۰۶ را با عایدات ۱۳۰۵ صدی سی

تفاوت پیدا میکند. این را بنده حل بريك تعادل هائی میکنم که خواسته اند بمانشان بدهند که اگر ما کنتاره جوئی کنیم اینطور آثار بد دارد. در هر حال بنده برای اینکه وضعیت مالیه روشن باشد و تکلیف مجلس و دولت و همه معلوم باشد عقیده ام این است که زود تر این ماده واحده را بگذاریم بقید اینکه دولت در این پنجاه روز در فکر يك متخصص عالی مقام امریکائی باشد و در این مدت هم يك نظری که البته خوب هم هست. جمع با اختیارات او در نظر بگیرد و بیارود مجلس يك مسئله دیگر هم هست که البته همه قسمتهایش را نمیشود گفت ولی آن قسمت هایش را که میشود گفت این است که باید دولت در نظر بگیرد و آن متخصصی را که میخواهد استخدام کند يك کسی باشد که کمتر در سیاست مملکت دخالت کند. مفتش مالیه دنبال تلگراف رمز بوزارت خارجه برود بعنوان اینکه من حق نظارت دارم. مخارج کوربه مسکو ما را توقیف بکنند. بالاخره دولت باید اینها را در نظر بگیرد چیزهائی را که ما گفته ایم نظارت داشته باشد خوبست و نا اندازه بنده تصدیق دارم ولی میگویم صد هزار تومان که وزارت عدلیه مجاز است که بگیرد و بصرف ساختمان برساند وقتی مدتش گذشت باید يك اجازه ثانوی از نقطه نظر قانون محاسبات عمومی گرفته شود اما صد هزار تومان خرج نمایش فیلا دلفی فوراً داده میشود که هنوز هم به تصویب مجلس نرسیده است. خلاصه اینکه باید طوری باشد که نظرهای سیاسی اعمال نشود.

وزیر مالیه - بنده چند کلمه مختصر باید عرض آقایان برسانم. رو بهمرفته اعتراضاتی که میشود و آقای یاسائی هم تذکر دادند منطقی بنظر میآید. مسئله این است که با اینکه مجلس و دولت اختیارات سابق را زیاد میداند حالا چرا برای يك مدت موقتی آن اختیارات مجدداً بکس دیگر واگذار میشود. این یکی از اعتراضات اساسی است که بنده از مخالفین میشنوم. يك قسمت جواب اینرا قبلاً

عرض کرده که این مدت چهل پنجاه روز که این اختیارات را دولت تصویب کرده است بین شخص واکذار شود از نقطه نظر این نیست که آن عقیده اولی که عقیده مشترک آقین و دولت است ازین رفته باشد يك مسئله دیگری را که میخواهم عرض کنم این است که قانون چهارم است يك قسمت مهم آن چیزهایی را که محل نظر هست و آن مسئله حکمیت است (همانطوری که عرض کردم) دارا نیست و این خارج از قانون بوده و در کمترت شخصی بوده است. و حالا که شد اختیار قانون چهارم اسدرا میدهند آن موضوع ازین مبرود. این یکی از مسائلی است که تعدیل میکند آن تجاوزاتی را که آنها اشاره کردند و وقتی که اینطور شد آن تجاوزات ازین مبرود. یکی دیگر هم این است که البته کسی که امروز کفالت این کار را پیدا میکند باسوابقی که بنظریه مجلس و نظریه دولت و نظریات عمومی دارد خودش متذکر است که يك تجاوزاتی نباید بکند و آن تجاوزات را هم البته دولت تجویز نمیکند. اما اینکه چرا ما این عقیده را پیدا کرده ایم برای کمترت این شخص. این را بنده قبلاً عرض کردم و حالا هم آقای یاسائی اشاره فرمودند و آن اینست که کارها نباید معوق بماند. بنده خودم امروز صبح يك دستور العملهایی که مستلزم وضعیت جدید بود (و چون رئیس کل مالیه دیگر نبود) دادم و فرستادم و البته در آن دستور العملها صلاح این نبود که بنده کلیه عملیات خزانه داری را معوق بگذارم تا وقتی که تکلیف از طرف مجلس نسبت باین موضوع معلوم شود و البته این حال وقفه ادامه دادش خوب نیست و بالاخره باید بيك صورتی در بیاید. يك اشاره آقای ارباب کیخسرو فرمودند و آقای یاسائی هم توضیحاتی دادند راجع باطرافها و کمپانیها و غیره. یکی از عللی که ما این همه اصرار داشتیم و در آئیه هم مصریم که اختیارات سوء تعبیر نشود و واضح باشد برای همین بود که اطرافها اگر بتوانند يك اعمال نفوذ هائی بکنند

شده است از حیث موجودی خزانه و حسابهای مختلفه و جریان امر باقید اینکه مسؤول رسمی محاسبات هستند در این موقع بنویسند و بدهند البته آن را بندها را هم بعرض هیئت دولت و مجلس محترم میرسانم. خود اینها يك نوع رسیدگی و يك نوع تفتیش در امور محاسباتی خزانه است و البته اگر هم لازم باشد که در آن را بندها يك نوع تفتیش دیگری بشود آرا هم از نقطه نظر اداری و مسؤولیتی که دارم خواهم کرد و بنظر آقایان میرسانم. روی هم رفته بنده تصور میکنم با اینکه این مطلب همانطور که عرض کردم منطقی است و آقایان که آن اختیارات را زائد میدانند برای مدت موقتی هم زائد میدانند ولی از نقطه نظر این مسائلی که عرض شد اگر موافقت بفرمایند خصوصاً با آن عرضی که بنده کردم که آن اختیارات قانون چهارم اسد غیر از آن اختیارات سابق است و مخصوصاً شکایاتی که ما همیشه داشتیم و بنده خودم معترض بودم راجع به تجاوزاتی بود که نسبت به قانون چهارم اسد میشد اینها ازین خواهد رفت و در همان قانون هم اگر درست دقت بفرمائید در غیر از امور پرسنلی در هیچ موردی رئیس کل مالیه یا کسی که این اختیارات را دارد بدون

تصویب وزیر مالیه نمیتواند هیچ اقدامی بکند. اگر هم اقدامی شده است برخلاف قانون بوده است باین ملاحظه بنده تصور میکنم که اگر آقایان موافقت بفرمایند و این اختیارات موقتی را تصویب کنند صلاح مملکت است جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است حاج شیخ بیات - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

حاج شیخ بیات - بنده عقیده ام این است چون این موضوع فوق العاده اهمیت دارد خوبست آقایان اجازه بدهند آقایان که اجازه خواسته اند نظریات خودشان را بفرمایند و بنده عقیده ام این است آقای وزیر مالیه که با اختیارات دکترمیلیسوی مخالف بودند حقیقت این بود که همان اختیاراتی را که اخیراً بدکتر میلیسوی پیشنهاد کردند به این شخص واگذار میکردند نه اینکه همان اختیارات سابق را بنا بر این بنده تمدد می کنم که آقایان اجازه بفرمایند مطالب گفته شود

رئیس - عده برای رأی کافی نیست. کسی هم در خارج مجلس نیست عده کافی نخواهد شد جلسه ختم می شود بقیه مذاکرات میباشد برای پس فردا (مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)